

روند حق وتو در شورای امنیت (۱۹۴۶-۲۰۰۹)

حفظ صلح و امنیت یا تأمین منافع قدرت‌ها

مجید بزرگمهری*

نازنین خرمی**

چکیده

با آغاز کار سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵ و به تبع شورای امنیت، عملکرد سازمان همواره تحت تأثیر سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های قدرت‌های صاحب امتیاز وتو قرار گرفته است. کشورهای صاحب امتیاز وتو در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های خود در خصوص مسائل مطرح شده در شورای امنیت و توسل به وتو، بر اساس منافع ملی و همچنین روابط خود با کشورهای دیگر عمل کرده‌اند. سوال محوری ما این است که آیا برپایه بررسی تفصیلی موارد اعمال وتو در نیم قرن، آیا این حق در راستای وظیفه اصلی شورای امنیت یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بکار گرفته شده و یا کاربرد آن در راستای حفظ منافع اعضاء دائم و یا همپیمانان آنان بوده است؟ پس از

* دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (bozorg_majid@yahoo.com).
** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد طالقان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۷
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره دوازدهم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۳۴-۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۵

تبیین مسئله، مقاله تئوری انتقادی در روابط بین‌الملل را به عنوان چهارچوب کار نظری معرفی می‌نماید. در قسمت بعدی مقاله سراغ داده‌های تفصیلی کاربرد وتو و تحلیل آنها می‌رود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوایی اسناد استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: سازمان ملل، شورای امنیت، وتو، صلح و امنیت بین‌المللی.



۱. مقدمه نظری و توجیهی

۱.۱. بیان مسئله

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ به عنوان ابزار ایجاد نظم و قانون و صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل شد. اعضای سازمان ملل متحد براساس ماده ۲۴ منشور مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار نموده و موافقت کردند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آن‌ها اقدام نماید. ترس و وحشتی که دو جنگ جهانی در افکار عمومی ایجاد کرده بود ضرورت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل را رأس سایر نیازهای بین‌المللی قرار داده بود به نحوی که اعضای تشکیل دهنده سازمان را وادار به پذیرش اختیارات وسیع شورای امنیت و امتیاز ویژه حق وتو به اعضای دائم نمود. مطابق ماده ۲۴ منشور مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است. با عنایت به اینکه بند ۳ ماده ۲۷ منشور ملل متحد کسب ۹ رای مثبت شامل اعضای دائم را برای اخذ تصمیم لازم می‌داند، لذا رای منفی یکی از اعضای دائم مانع از تصمیم‌گیری شورا خواهد شد.

با آغاز کار سازمان ملل متحد و به تبع شورای امنیت، عملکرد سازمان همواره تحت تأثیر سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های قدرت‌های صاحب امتیاز و تو قرار گرفته است. کشورهای صاحب امتیاز و تو در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های خود در خصوص مسائل مطرح شده در شورای امنیت، بر اساس منافع ملی و همچنین روابط خود با کشورهای دیگر عمل کرده‌اند. فضای جنگ سرد ایجاد شده بعد از جنگ جهانی دوم در سطح نظام بین‌الملل تشدید کننده این وضعیت بوده و نه تنها عملکرد شورا

را تحت تأثیر قرار داد، بلکه تا حدود زیادی از انجام وظایف و اختیاراتی که بر اساس منشور ملل متحد بر عهده شورای امنیت می‌باشد، جلوگیری نموده است. سوال محوری ما تحلیل این نکته است که برپایه بررسی تفصیلی موارد اعمال و تو در نیم قرن، آیا این حق در راستای وظیفه اصلی شورای امنیت یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بکار گرفته شده و یا کاربرد آن در راستای حفظ منافع اعضاء دائم و یا همپیمانان آنان بوده است.

در زمینه وظایف شورای امنیت، مقاله محمد حسن خانی با عنوان «رفتار دوگانه سازمان‌های بین‌المللی، مطالعه تطبیقی مواضع سازمان ملل در قبال حمله عراق به ایران و کویت» (Khani.2010:224) و مقاله اینجانب با عنوان «شورای امنیت و موضوع فلسطین، استفاده از حق و تو مانع از برقراری صلح» (Bozorgmehri. 2011: 78-99) به صورت کاملاً موردی به بحث استفاده ابزاری از شورای امنیت پرداخته‌اند لیکن مقاله حاضر با نگاهی تاریخی، مستند و فراگیر موضوع کاربرد و تو را ارزیابی کرده است.

۱.۲. بحث نظری: نظریه انتقادی

شایان ذکر است که معمولاً دو معنا از نظریه انتقادی استنباط می‌شود:

۱- معنای عام: شامل طیف وسیعی از دیدگاه‌های انتقادی در روابط بین‌الملل از جمله پسا تجدد گرایی، پسا ساختار گرایی، فمینیسم، مارکسیسم، نومارکسیسم، نظریه نظام جهانی، پست مدرنیسم، سازه انگاری و....

در این معنا نظریه انتقادی تلاشی میان رشته‌ای است که علم سیاست، روابط بین‌الملل، تاریخ و روانشناسی را ترکیب می‌کند تا نظریه‌های مختلفی از سیاست جهانی ارائه کند که هدف اصلی همه آنها نشان دادن بدیل و جایگزینی در برابر برداشت واقع گرایانه از روابط بین‌الملل است.

۲- معنای خاص: شامل دیدگاه‌های مکتب فرانکفورت (ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، یورگن هابرماس) و آنتونیو گرامشی (مارکیست ایتالیایی) است. دیدگاه‌های عرصه شده در این رویکرد نظری، علاوه بر مباحث هستی و معرفت‌شناسی به مباحث عینی‌تر و ملموس در روابط بین‌الملل نیز می‌پردازد. ویژگی

بحث نظری ما نیز در این مقاله توجه به این بعد از مباحث نظریه انتقادی است که کمتر در ادبیات دانشگاهی فارسی زبان ما بدان توجه شده است.

در این راستا باید توجه داشته باشیم که صاحب نظرانی که در مجموعه مکتب فرانکفورت و یا مکتب انگلیسی طبقه‌بندی می‌شوند خود نیز از تنوع نظریات برخوردارند. با یک جمع‌بندی کلان از نظران اصحاب قلم این مکتب میتوان اصول ملموس و عملیاتی ذیل را در پرونده این مکتب ثبت کرد:

۱. ضرورت دمکراسی در نظام بین‌الملل: دمکراسی اساسا فرایندی ناتمام در عرصه تاریخ است و اشکال جدید آن مستمرا در حال ظهورند. اگر چه دمکراسی زائیده مدرنیته است و اصحاب نظریه انتقادی شکل سرمایه‌داری لیبرالیستی دمکراسی را مورد انتقاد قرار می‌دهند، لیکن اصحاب مذکور مدعی اند باید شکلی رادیکال از دمکراسی تحقق یابد که این شکل جدید باعث تعمیق مدرنیته می‌گردد. (Mouffe, 1990)

دمکراسی رادیکال خواهان توجه بیشتر به تفاوتها و حداکثر تکثر گرایی، با حفظ شیرازه اجتماع است. اصحاب مدرسه انتقادی با تکیه بر نظریات هابر ماس، معتقدند که موضوع دمکراسی باید در سطح نظام بین‌المللی تحقق یابد. روابط میان افراد، سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی و جامعه مدنی باید بر اساس عقلا نیت اجتماعی و در سطح بین‌المللی توسعه و بهبود یابد. باید نظامی بین‌المللی شکل گیرد که با تفاوتها شامل رنگ پوست، مذهب، قومیت و غیره همخوانی بیشتری داشته باشد و به عبارتی دمکراتیک‌تر گردد.

۲. رها سازی: بر پایه نظریه مشهور تمایز «هورکهایمر» وجه اصلی تمایز نظریات انتقادی از نظریات کلاسیک رها سازی انسان از شرایطی است که زمینه ساز بردگی انسان می‌گردد. (Horkheimer, 1982:244) در اندیشه‌های مارکس موضوع رها سازی و حذف شرایط استثمار از مباحث محوری است و در معرفت‌شناسی هابر ماس، معرفت انتقادی، بشر را قادر می‌سازد تا خود را از اشکال سلطه از مجرای خرد ورزی خویش رها سازد. رها سازی در چهارچوب نظریات انتقادی به معنی رها شدن فرد از کنترل و سلطه دیگری است. (Bazz, 2011) در چهارچوب استدلال نوشتار ما، حق و تو نوعی سلطه قدرت‌های بزرگ بر جامعه جهانی تلقی می‌گردد.

۳. عدالت و برابری: نظریه پردازان مکتب انتقادی ساختار نابرابر و ناعادلانه نظام بین‌المللی امروز را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهند. البته اصحاب این نظریه بی‌عدالتی را در عرصه حیات کلی ابناء بشر در جامعه جهانی خارج از نظام دولت محور مورد نقد قرار می‌دهند ولی اشخاصی مانند آندرو لینک لیتزر (Andrew Linklater) معتقد است عدالت بین‌المللی باید میان جوامع در سطح نظام کشورها برقرار گردد. (Linklater.1999:473)

به نظر می‌رسد سه مولفه «ضرورت دموکراسی»، «رها سازی» و «عدالت و برابری» بر ضرورت اصلاح نظام بین‌الملل تأکید دارد و اصلاح موضوع امتیاز وتو از مصادیق ضرورت مذکور تلقی می‌شود.

۲. روش تحقیق و محدودیت‌ها

در این تحقیق ابتداء تمام موارد وتو احصاء شده و سپس مجموعه آنها در دو گروه اصلی ۱. وتوی عضویت کشور های جدید در سازمان ملل، و ۲. وتوی مسائل سیاسی، تقسیم شده است. توجه به زمینه‌های طرح موضوع در شورای امنیت و مطالعه توجیه استدلالی عضو دائم وتو کننده، گویای نکات ارزشمندی در رابطه با سوال محوری این تحقیق است.

در ارتباط با محدودیت‌های این مطالعه شایان ذکر است که اگر چه متن قطعنامه‌های شورای امنیت در سایت سازمان ملل قابل دسترسی است لیکن متن موارد وتو و توجیه استدلالی آن به صورت مشخص و دسته‌بندی شده قابل دسترسی نیست، لذا ضروری بود تک تک موارد در خلال اسناد متنوع سازمان ملل و برخی کتب انگلیسی زبان استخراج گردد. در این رابطه مجموعه‌های اسناد چاپی سازمان ملل با عنوان راهنما یا دایرکتوری (Repertoire) که در قالب‌های مختلف شامل اسناد مرتبط با مباحث آئین نامه ای، مسائل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و غیره به چاپ رسیده است کمک بزرگی در مراجعه به اصل اسناد بوده داست هر چند که پیدا کردن متن صورتجلسات مورد نظراز شورای امنیت در این اسناد کار سخت و زمان بری بود.

ضمناً با توجه به رقم زیاد کاربرد وتو از سوی قدرتهای دائم شورای امنیت، از

هر دو دسته، چند مورد مهم انتخاب شده و با بیان زمینه طرح آنها در شورا و توجیه استدلالی قدرت و توکننده ارتباط آن با وظیفه اصلی شورا یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تطبیق داده شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

۳.۱. آمار کلی وتوها

طی سالهای ۱۹۴۶-۲۰۰۸ مجموعاً ۳۱۴ بار از وتو در شورای امنیت استفاده شده است که کشور چین اعم از چین ملی و یا جمهوری خلق چین ۲ بار، فرانسه ۱۸ بار، انگلستان ۳۳ بار، ایالات متحده آمریکا ۹۸ بار و کشور روسیه شامل دوره کمونسیتی و دوره فدراسیون روسیه ۱۲۹ بار از این امتیاز استفاده کرده‌اند.

در ارتباط با محور اول یعنی تقاضای عضویت یک کشور جدید و مخالفت با آن از طریق وتو جدول شماره یک، و در ارتباط با محور مسائل سیاسی و استراتژیک (تاثیر گذار بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) جدول شماره دو، و در ارتباط با مسائل سازمان ملل و نیروهای حافظ صلح و انتخاب دبیر کل جدول شماره سه ارقام کاربرد وتو را بیان میدارد.

جدول شماره ۱: وتو برای جلوگیری از عضویت کشور جدید (۱۹۴۶-۲۰۰۸)

کشورهای اروپایی	کشورهای آفریقایی	کشورهای آسیایی	کشورهای عربی
۲۱ بار	۲ بار	۲۷ بار	۷ بار

جدول شماره ۲: کاربرد وتو در مورد مسائل سیاسی و استراتژیک

میان کشورهای اروپایی	میان کشورهای آفریقایی	میان کشورهای آسیایی	میان کشورهای عربی و اعراب و اسرائیل	میان کشورهای آمریکای لاتین	میان آمریکا و شوروی
۱۴ بار	۵۹ بار	۱۶ بار	۶۳ بار	۱۷ بار	۳ بار

جدول شماره ۳: مسائل سازمان ملل، نیروهای حافظ صلح و انتخاب دبیر کل

مسائل سازمان ملل و نیروهای حافظ صلح	انتخاب دبیر کل
۲۴ بار	۴۴ بار

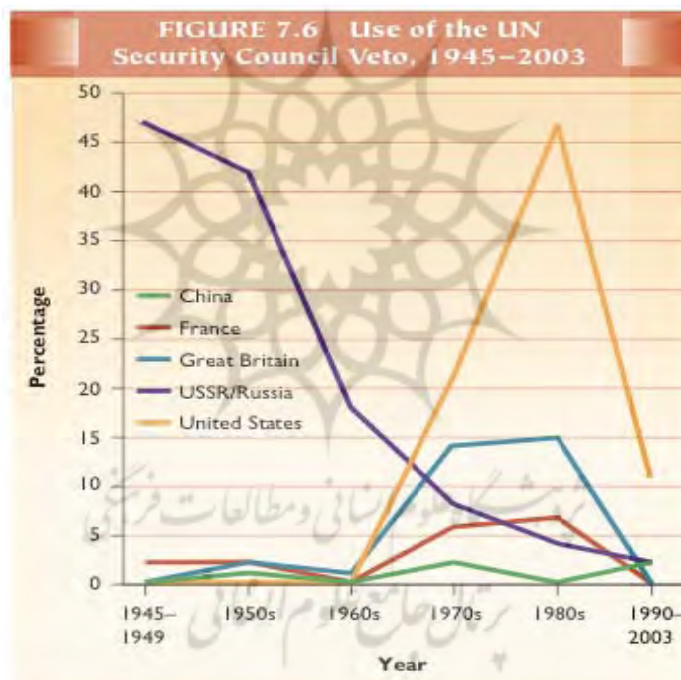
نگاه آماری به تعداد قطعنامه‌های صادر شده و وتوی در برخی از سال‌های فعالیت شورای امنیت نیز گویای تاثیر بسزایی وتو در روند فعالیت شورای امنیت می‌باشد. در جدول شماره چهار آمار برخی از سالهای بین ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۴: تعداد قطعنامه‌های صادرشده و وتوی در پاره‌ای از سال‌ها

سال	قطعنامه	وتو
۱۹۴۶	۱۵	۱۳
۱۹۵۴	۲	۲۲
۱۹۸۱	۱۴	۴۵
۱۹۸۶	۱۳	۱۱
۱۹۸۹	۱۹	۹
۱۹۹۷	۵۳	۳
۲۰۰۱	۱۶	۱

همانطور که مشاهده می‌شود در سالهای ۱۹۴۶، ۱۹۵۴، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ تعداد وتوها تقریباً برابر و یا مواردی حتی بیشتر از تعداد قطعنامه‌های صادره بوده است.

نمودار کاربرد وتو طی سالهای ۱۹۴۵-۲۰۰۳ (Global Policy Forum)



۳.۲. بررسی تفصیلی موارد وتو: برای بررسی این موضوع، موارد وتو را در دو قسمت بررسی می‌کنیم: ۱. وتوی درخواست عضویت دولت‌های جدید، ۲. وتوی مسائل سیاسی و امنیتی تاثیر گذار در صلح و امنیت بین‌المللی. با توجه به رقم بالای وتوها، از هر قسمت فقط چند قضیه، مورد بحث تفصیلی قرار می‌گیرد.

۳.۲.۱. درخواست عضویت دولت‌ها

□ یکی از مسائلی که در اوایل تشکیل سازمان ملل مورد اختلاف قدرت‌های بزرگ بالأخص ایالات متحده آمریکا و شوروی قرار گرفت، مسئله عضویت کشورهای جدید در سازمان ملل بود. این مسئله به علت قطب بندی‌های جدید در سطح نظام بین‌الملل و در قالب دو ابرقدرت برای تحکیم بلوک خود، به یک مسئله اختلافی در شورای امنیت تبدیل شد. بین سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۴۶ شوروی ۴۸ مرتبه عضویت کشورهای طرفدار غرب را وتو کرد و متقابلاً غربی‌ها بعلت دارا بودن اکثریت آراء در شورای امنیت (در آن زمان چین ملی هم متمایل با بلوک غرب بود) از عضویت کشورهای طرفدار شوروی جلوگیری می‌کردند. قریب به اتفاق این دولتها شرایط حقوقی و سیاسی لازم، به ویژه شرط صلح طلب بودن را برای عضویت دارا بودند و تنها عامل بازدارنده، رقابت قدرتهای بزرگ در تقویت بلوک خود در سازمان ملل و کاربرد وتو بود که مانع از عضویت آنها می‌گردید.

□ درخواست عضویت اتریش و مسائل بعدی آن.

به دنبال توصیه مجمع عمومی، تقاضای عضویت اتریش در نشست ۲۱ اگوست ۱۹۴۷ شورای امنیت (S/336.1947:245) مطرح گردید که به علت وتوی شوروی رد شد.

استدلال شوروی عبارت از این بود که اولاً اتریش هنوز قرارداد صلح را امضاء نکرده است. ثانیاً سرزمین این کشور هنوز تحت اشغال سایر دولت‌ها است لذا از استقلال لازم برخوردار نیست. متعاقب این قضیه دولت آرژانتین در ۸ دسامبر ۱۹۴۸ تقاضای عضویت هفت کشور از جمله اتریش را طرح و پیش‌نویس قطعنامه لازم را تسلیم شورای امنیت کرد. این پیش‌نویس در ۴۴۳مین نشست شورای امنیت، در ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۹ مطرح شد. تقاضای آرژانتین مبنی بر عضویت هفت کشور شامل: پرتغال (S/1331.1948:276)، اردن (S/1332.1948:276)، ایتالیا (S/1333.1948:276)، فنلاند (S/1334.1948:276)، ایرلند (S/1335.1948:276)، اتریش (S/1336.1948:276)، سیلان (S/1337.1948:276) بود.

هم زمان با تقاضای آرژانتین، شوروی سعی داشت تقاضای عضویت کشورهای آلبانی، جمهوری خلق (مردمی) مغولستان، بلغارستان و رومانی را مطرح

سازد. شوروی تلاش داشت قبل طرح پیش‌نویس آرژانتین، تقاضای خود را مطرح سازد اما رئیس وقت شورای امنیت که نماینده دولت انگلستان بود، معیار تاریخ تقاضا را مطرح کرد و لذا اول پیشنهاد آرژانتین برای عضویت هفت کشور مذکور مطرح گردید. نظر دولت امریکا براین بود که تقاضای عضویت هر یک از کشورها مجزا و مستقل مطرح شود اما شوروی تصمیم داشت در قالب طرح عضویت چند کشور به طور هم‌زمان سایر اعضا را ترغیب به موافقت همه موارد کند و با این سیاست، عضویت کشورهای مورد نظر خود را نیز کسب کند. اما ابتدا پیشنهاد آرژانتین مطرح گردید. در نهایت اتحاد جماهیر شوروی این پیش‌نویس را وتو نمود. استدلال شوروی برای وتو عبارت از این بود: شوروی نمی‌خواهد به واسطه سیاست‌های تبعیض‌آمیز دول غربی در قبال دولت‌هایی مانند آلبانی، رومانی، مغولستان، بلغارستان و مجارستان تحت فشار قرار گیرد. (Patil.1992:24)

در ۷۰۴مین نشست شورای امنیت در ۱۳ دسامبر ۱۹۵۵، برزیل و نیوزلند تقاضای عضویت ۱۸ کشور در غالب پیش‌نویس قطعنامه (S/3502.1955:88) رابه شورای امنیت تسلیم کردند. هجده کشور عبارت بودند از: آلبانی، بلغارستان، جمهوری خلق مغولستان، اردن، ایرلند، پرتغال، مجارستان، ایتالیا، اتریش، رومانی، فنلاند، سیلان، نپال، لیبی، کامبوج، ژاپن، لائوس و اسپانیا.

هدف برزیل و نیوزلند از گنجاندن برخی از کشورهای اروپای شرقی در این فهرست، تشویق شوروی به عدم وتوی پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی بود. با این حال شوروی این تقاضای عضویت را نیز وتو کرد. چین پیشنهاد کرد جمهوری کره و جمهوری ویتنام باید به این اسامی اضافه شوند. استدلال چین این بود؛ از آن‌جا که مغولستان خارجی به جمهوری کره حملاتی داشته است و اسم آن در این فهرست قرار دارد لذا نام جمهوری کره نیز باید به فهرست افزوده شود.

در نهایت اسامی بیست کشور در پیش‌نویس قطعنامه قید شد و رئیس شورای امنیت شروع به خواندن اسامی تک تک کشورها نمود. شوروی عضویت جمهوری کره و جمهوری ویتنام را وتو کرد. چین نیز عضویت جمهوری مغولستان را وتو نمود. در واکنش به عمل چین، شوروی نیز مجدداً عضویت اردن، ایرلند، پرتغال، ایتالیا، اتریش، فنلاند، سیلان، نپال، لیبی، کامبوج، ژاپن و اسپانیا را وتو کرد.

شوروی در این نشست مدعی بود اگر با عضویت ۱۸ کشور همگی موافقت صورت می‌گرفت، شوروی نیز مخالفتی با پذیرش تمام اعضاء نداشت و وتو از سوی چین، واکنش شوروی را به دنبال داشت. شوروی معتقد بود نماینده چین، در واقع هیچ ملتی را نمایندگی نمی‌کند و از سوی امریکا حمایت می‌شود (Patil.1992:26).

□ درخواست عضویت آنگولا

درخواست عضویت آنگولا در ۱۹۳۲ مین نشست شورای امنیت که در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۷۶ برگزار شد، در قالب پیش‌نویس قطعنامه (S/12110.1976:61) از سوی کشورهای بنین، گینه، جماهیر عربی لیبی، رومانی، اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری متحد تانزانیا به شورای امنیت پیشنهاد گردید. ایالات متحده امریکا این پیش‌نویس قطعنامه را وتو کرد.

استدلال نماینده امریکا این بود که: دولت امریکا هنوز کاملاً متقاعد نشده است که جمهوری آنگولا، شرایط عضویت مندرج در ماده ۴ منشور را دارا می‌باشد. البته موضوع نفوذ و حضور قوای کوبا در سرزمین آنگولا نیز باعث این واکنش می‌شد. (Patil.1992:34)

۳.۲.۲. مسائل سیاسی و استراتژیک

□ مسئله برلن

سه دولت فرانسه، انگلستان و امریکا در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۸ طی نامه‌ای توجه دبیرکل سازمان ملل را به مسئله برلن جلب کرده و نیز دبیرکل را از وضعیت تحمیل‌های یک‌طرفه که از سوی دولت شوروی در ایجاد محدودیت‌های نقل و انتقال و ارتباطات میان منطقه غربی در آلمان و برلن آگاه ساختند. از نظر سه دولت مذکور این وضعیت در تقابل با حقوق دولت انگلستان، امریکا و فرانسه و نیز در تعارض و مغایر با تعهدات دولت شوروی طبق ماده ۲ منشور ملل متحد بود. همچنین خطر جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رفت.

به دنبال اقدامات شورای امنیت، نماینده شوروی در ۳۶۱ مین نشست شورای امنیت که در ۴ اکتبر ۱۹۴۸ برگزار شد، با در دستور کار قرار گرفتن موضوع برلن در جلسه شورا مخالفت کرد. وی اعلام داشت رسیدگی به این موضوع در

صلاحیت شورای امنیت نیست. شورا در ۵ اکتبر ۱۹۴۸ در دستور کار قرار گرفتن موضوع برلن در شورای امنیت را به رأی گذاشت که با نه رأی مثبت در مقابل ۲ رأی منفی در دستور کار قرار گرفت. در نهایت پیش‌نویس قطعنامه‌ای در جلسه ۲۵ اکتبر ۱۹۴۸ از سوی آرژانتین، بلژیک، کانادا، چین، کلمبیا و سوریه به شورای امنیت پیشنهاد شد که شوروی آن را وتو کرد. (Patil, 1992:61)

استدلال نماینده شوروی برای وتو مبنی بر این بود که وضعیت پیش آمده در برلن به علت استنکاف قدرت‌های غربی از اجرای تصمیمات پوتسدام و یالتا در زمینه سازوکار و کنترل مناطق تحت اشغال آلمان است. وی اذعان کرد، برلن در مرکز ناحیه شوروی قرار دارد و جزئی از ناحیه شوروی است. همچنین رواج پول غیر معتبر ناقض حقوق مردم برلن می‌باشد. رواج واحد پولی که اساساً در این سرزمین هیچ‌گونه اعتبار ندارد. شوروی حافظ منافع و اقتصاد برلن بزرگتر است. (Patil, 1992:62)

شایان ذکر است که در این دوره واحد پول برخی از دول غربی و پول آلمان غربی در منطقه برلن و نواحی برلن شرقی رواج یافته بود.

□ قضایای افریقای جنوبی

در ۲۵ مارس ۱۹۶۰ (S/4279) نامه‌ای از سوی نمایندگان کشورهای افغانستان، برمه، کامبوج، سریلانکا، اتیوپی، مالایا، غنا، گینه، هندوستان، اندونزی، ایران، عراق، ژاپن، اردن، لبنان، لیبیا، مراکش، نپال، پاکستان، فلیپین، عربستان سعودی، سودان، تایلند، تونس، ترکیه، جمهوری متحده عربی و یمن به رئیس شورای امنیت ارسال شد (S/4279.1960. Repertoire 1956-63:XVI)

و طی آن از اقدام تبعیض نژادی دولت افریقای جنوبی نسبت به تجمع صلح‌آمیز غیر نظامیان که به سرکوب و کشتار وسیع آنها انجامید شکایت شده بود. نماینده لائوس نیز بعداً نام خود را به این فهرست افزود.

در ۲۰۴۵ مین نشست شورای امنیت که در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۷ برگزار شد، سه پیش‌نویس قطعنامه اصلاح شده به شورای امنیت ارائه گردید (S/12310/Rev1.1977)(S/12311/Rev1.1977)(S/12312/ Rev.1. 1977)

هر سه پیش‌نویس از سوی سه کشور فرانسه انگلستان و ایالات متحده آمریکا

و تو گردید. در هر سه پیش‌نویس موضوع تحمیل آپارتاید و خشونت وسیع و سرکوب رژیم نژادپرست افریقای جنوبی نسبت به اکثریت مردم این سرزمین محکوم شده بود. (Patil.1992:149) در این قطعنامه‌ها اعلام شده بود که رژیم نژادپرست افریقای جنوبی به طور آشکار و مستمر اصول مندرج در منشور ملل متحد را نقض می‌کند و هم چنین اعلام شده بود که سیاست‌های این رژیم به طور جدی صلح در منطقه را به مخاطره انداخته است.

استدلال نماینده فرانسه برای وتوی کشور خود این بود که باید فرصت‌های رسیدن برای یافتن راه حل‌های صلح‌آمیز را در مسئله افریقای جنوبی پیدا کرد. راه حل‌هایی که هم‌مسو با توافقات قانونی تمام کشورهای منطقه است و از سوی دیگر سازمان ملل موظف است حق دفاع برای دولت‌ها بر طبق ماده ۵۱ منشور را به رسمیت شناسد.

نماینده انگلستان اعلام کرد منزوی ساختن دولت افریقای جنوبی باعث تشدید بحران خواهد شد. دولت انگلستان آماده شنیدن نظرات دولت افریقای جنوبی و سایر دول جنوب افریقا است. نماینده امریکا اعلام کرد مسئله در داخل افریقای جنوبی قابل حل است و خود شهروندان افریقای جنوبی می‌توانند مسئله خود را حل کنند. (Patil.1992: 152)

در ۲۶۰۲ مین نشست شورای امنیت که در تاریخ ۲۶ جولای ۱۹۸۵ برگزار شد اصلاحیه‌ای به پیش‌نویس قطعنامه به صورت پیشنهاد شفاهی از سوی بورکینا فاسو، مصر، هندوستان، ماداگاسکار، پرو، ترینیدا و توباگو مطرح شد (S/17363.1985:33) و متن پیش‌نویس قطعنامه از سوی دانمارک و فرانسه به شورا ارائه شد. (S/17354/Rev.1. 1985:26) که این پیش‌نویس قطعنامه از سوی بریتانیا و ایالات متحده امریکا و تو گردید. در این پیش‌نویس قطعنامه پس از محکومیت سیاست‌های دولت افریقای جنوبی، اقدامات عملی علیه این دولت پیش بینی شده بود که عبارت بودند از:

- تعلیق هرگونه سرمایه گذاری جدید در این کشور
- ممنوعیت تبادل ارز جاری کشور افریقای جنوبی
- ایجاد محدودیت در حوزه‌های ورزشی و فرهنگی

○ ممنوعیت انعقاد قراردادهای جدید در حوزه هسته‌ای
○ ممنوعیت فروش تجهیزات رایانه‌ای که ممکن است از سوی ارتش و پلیس
این دولت استفاده شود. (Patil.1992:154)

استدلال نماینده دولت انگلستان برای وتوی خود این بود که سیاست تحریمی باعث جلوگیری از پیشرفت‌های اقتصادی این کشور می‌شود، پیشرفت‌هایی که به عنوان کاتالیزور حل مشکلات، به ویژه مشکلات اقشار فقیر محسوب می‌گردد. این فشارها به دولت افریقای جنوبی باعث می‌شود تا این دولت در جهت حل بحران اقدامی نکند. توسل به اقداماتی تحت پوشش فصل هفتم منشور، راه مناسب برای نیل به تغییرات داخلی سازنده نیست. نظر انگلستان این است که شورای امنیت باید در راستای تدارک یک گفتگوی جدی در افریقای جنوبی میان تمام بخش‌های جامعه باشد نه اینکه مشوق خشونت بیشتر و تشدید اختلافات باشد.

استدلال نماینده امریکا برای وتوی خود این بود که باید مذاکرات اساسی میان دولت و رهبران جامعه سیاه پوست برای تأسیس یک جامعه عادلانه صورت گیرد. (Ibid)

دولت‌های کنگو، غنا، ماداگاسکار، ترینیداد، توباگو و امارات متحده عربی در ۲۶۸۶مین نشست شورای امنیت که در تاریخ ۲۳ می ۱۹۸۶ برگزار شد، یک پیش‌نویس بازمینی شده در ارتباط با مسئله افریقای جنوبی به شورای امنیت ارائه نمودند (S/1808 Rev.1. 1986:27) که از سوی انگلستان و امریکا به طور مشترک وتو گردید. در این پیش‌نویس جدید علاوه بر محکومیت سیاست‌های نژاد پرستانه دولت افریقای جنوبی علیه شهروندان خود، اقدامات تجاوزکارانه این رژیم در سه کشور بوتسوانا، زامبیا و زیمباوه در تاریخ ۱۹ می ۱۹۸۶ محکوم شده بود. در بند ۳ این پیش‌نویس دولت افریقای جنوبی را ملزم به جبران خسارات وارده به سه کشور مذکور ساخته بود. در ادامه متن تحریم‌های مندرج در پیش‌نویس قبلی تکرار شده بود. (Patil.1992:157)

نماینده انگلستان در توجیه وتوی خود از این‌که دولت‌های حامی و طراح این پیش‌نویس با رویه رأی‌گیری بند به بند مخالفت کردند ابراز تأسف می‌کند. از نظر نماینده انگلستان در صورت اتخاذ این روش بخش مهمی از پیش‌نویس با اجماع رأی

می‌آورد. وی اظهار داشت که با حذف بند ۶ پیش‌نویس مبنی بر اعمال تحریم‌ها، بهتر می‌توان تصمیم‌گیری کرد و دولت انگلیس از طریق ایجاد می‌باشد. در این راستا، نماینده آمریکا نیز مجدداً مخالفت خود را با وضع مجازات‌های اجباری اقتصادی علیه افریقای جنوبی ابراز داشت، زیرا معتقد بود تخریب اقتصاد افریقای جنوبی هیچ خدمتی به مردم این کشور و به‌ویژه کسانی که تحت فشار آپارتاید هستند، نمی‌کند.

پیش‌نویس جدیدی در ۲۷۳۸مین نشست شورای امنیت در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۸۷ از سوی آرژانتین، کنگو، غنا، امارات متحده عربی و زامبیا به شورا ارائه شد (S/18705.1987:33) که از سوی انگلستان و ایالات متحده آمریکا و تو گردید. بند ۵ این پیش‌نویس، حجم وسیع‌تری از تحریم‌های اقتصادی را علیه رودزیای جنوبی پیش‌بینی می‌کرد. این تحریم‌ها موارد مختلفی شامل تجهیزات نظامی، سرمایه‌گذاری، صنایع هسته‌ای، گردشگری، محصولات کشاورزی و مواد غذایی را در بر می‌گرفت. (p.160)

استدلال نماینده آمریکا برای وتو این بود که اعمال تحریم‌های اقتصادی باعث تشدید بحران در این کشور می‌شود و سقوط اقتصاد افریقای جنوبی کمکی به حذف آپارتاید نمی‌کند. (Patil.1992:160)

در ادامه، در ۲۷۹۷مین نشست شورای امنیت که در تاریخ ۸ مارس ۱۹۸۸ برگزار شد، پیش‌نویس قطعنامه دیگری از سوی الجزایر، آرژانتین، نپال، سنگال، یوگسلاوی، زامبیا به شورا ارائه گردید (S/19585.1988:80) که از سوی انگلستان و آمریکا و تو شد. اگرچه حجم تحریم‌های اقتصادی این پیش‌نویس در مقایسه با پیش‌نویس‌های قبلی بسیار کم‌تر شده بود، اما راه‌حل‌های روشنی را برای حل بحران و حذف آپارتاید، برچیده شدن ممنوعیت احزاب سیاسی و سایر نهادهای توده‌ای دمکراتیک، آزادی زندانیان سیاسی، اجازه بازگشت تبعیدشدگان بدون ترس از بازداشت و آغاز گفتگوهای مؤثر با رهبران واقعی اکثریت مردم افریقای جنوبی، نداشت.

نماینده انگلستان در توجیه وتوی خود مجدداً اعلام داشت که اعمال تحریم‌های اقتصادی باعث تشدید بحران شده و مانع از تغییرات صلح‌آمیز می‌گردد. (Patil.1992: 163)

□ مسئله افغانستان

در سال ۱۹۷۷ در نتیجه ائتلاف میان دو شاخه رقیب کمونیستی طرفدار شوروی در افغانستان، یعنی حزب خلق به رهبری «ترکی و حفیظ الله امین» و حزب پرچم به رهبری «ببرک کارمل»، حزب دموکراتیک خلق افغانستان تشکیل شد. این حزب، با کودتای ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ بر سر کار آمد. در سپتامبر ۱۹۷۹، زمانی که ناتوانی حکومت دست‌نشانده مزبور مشخص گردید، شوروی از ترکی خواست که کارمل را به جای امین به ریاست دولت منصوب نماید ولی این طرح عملی نشد و امین پیش‌دستی نموده، ترکی را به قتل رساند و کارمل را به عنوان سفارت به یکی از کشورهای اروپای شرقی تبعید نمود.

به دنبال این حوادث شوروی وارد افغانستان شد و شوروی ورود خود به افغانستان را در سال ۱۹۷۸، بر اساس تقاضای دولت ببرک کارمل که دولت شوروی وی را از تبعید در اروپای شرقی به افغانستان بازگردانده بود، توجیه نمود. در پی این اقدام و پس از آن‌که سربازان شوروی وارد افغانستان شدند، شورای امنیت به بررسی مسئله پرداخت. (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۲۶)

در تاریخ ۳ ژانویه ۱۹۸۰، نمایندگان ۴۳ کشور عضو سازمان ملل متحد طی نامه‌ای (S/13724.1980:31) به رئیس شورای امنیت، برگزاری فوری نشست شورا برای بررسی وضعیت پیش‌آمده در افغانستان را خواستار شدند.

همچنین در ۴ و ۵ ژانویه ۱۹۸۰، نمایندگان نه کشور دیگر (S/3714/Add.1and2.1980:31) نیز امضاء خود را در نامه مذکور ثبت کردند.

نماینده شوروی در ۲۱۸۵ مین نشست شورای امنیت که در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۸۰ برگزار شد، اساساً با رسیدگی به موضوع در شورای امنیت مخالفت کرد و استدلال نمود که این موضوع در صلاحیت داخلی مردم افغانستان و دولت آن کشور است و این حوادث یک موضوع داخلی است. با این حال، در ۲۱۹۰ مین نشست شورای امنیت در ۷ ژانویه ۱۹۸۰، پیش‌نویس قطعنامه‌ای (S/13729.1980:51) از سوی بنگلادش، جامائیکا، نیجریه، فیلیپین، تونس و زامبیا به شورای امنیت تسلیم شد که از سوی شوروی و تو گردید.

در این قطعنامه، شورا عدم رضایت خود را از مداخله نظامی در افغانستان

صراحتاً اعلام و تأکید کرد که حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و وضعیت غیرمتعهد افغانستان باید رعایت شود. همچنین قطعنامه خواستار خروج فوری و بدون شرط قوای خارجی از این کشور شد تا مردم این سرزمین به طور مستقل بتوانند شکل حکومت خود را تعیین کنند.

استدلال نماینده شوروی برای و تو این بود که هیچ یک از دولت‌هایی که موضوع افغانستان را مطرح ساخته اند، نمی‌توانند منکر حقیقت آشکار مداخله مسلحانه امپریالیسم بین‌المللی در امور داخلی افغانستان شوند. هیچ یک از این دولت‌ها نمی‌توانند منکر شوند که مداخله‌های مذکور خطری جدی برای ضربه زدن به آثار انقلاب آوریل در افغانستان بوده است. وضعیتی که دولت افغانستان را مجبور ساخت بر پایه «معاهده دوستی و همکاری بر اساس حسن همجواری ۱۹۷۸» از اتحاد جماهیر شوروی کمک بخواهد. بنابراین، گزارش‌هایی که کمک نظامی شوروی به افغانستان را محکوم می‌کنند در واقع هدفی جز محروم کردن مردم افغانستان از حق تعیین راه‌ها و ابزارهای تأمین امنیت خود ندارند. در مجموع، اقدامات دو دولت افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی منحصرأ امری داخلی است و مداخله شورای امنیت را طلب نمی‌کند.

نماینده شوروی می‌افزاید: حذف «حفیظ الله امین» از قدرت از طرف عوامل انقلابی و وطن پرست حزب خلق دمکراتیک افغانستان صورت گرفته است. این رخداد در واقع بازتاب مشروع توسعه و تثبیت بیشتر انقلاب آوریل است که موضوعی کاملاً داخلی دارد. نماینده شوروی مدعی می‌شود که مفاد پیش‌نویس قطعنامه که درخواست خروج قوای خارجی از افغانستان را دارد، در واقع با هدف تضعیف امنیت دولت افغانستان و ایجاد فضا سازی در افغانستان برای احیای رژیم قبلی این کشور که از سوی مردم واژگون شد، می‌باشد. (Patil.1992:230)

□ اقدام جنگنده‌های اسرائیل در هدایت اجباری هواپیمای لیبیایی

نماینده جمهوری عربی سوریه در تاریخ ۴ فوریه ۱۹۸۶ نامه وزیر خارجه کشورش به سازمان ملل را به دبیر کل تسلیم کرد. در این نامه آمده بود یک هواپیمای خصوصی خطوط هوایی مدیترانه لیبی که حامل نمایندگان رسمی سوریه بود در منطقه هوایی بین‌المللی دریای مدیترانه توسط دو جنگنده اسرائیلی مجبور به

تغییر مسیر و حرکت به سوی فرودگاه مورد نظر آنها شده است. بر اساس این نامه از دبیر کل درخواست شده بود موضوع به ریاست شورای امنیت اطلاع داده شود و این اقدام به عنوان نقض آشکار مقررات حقوق بین‌الملل در آزادی و امنیت پرواز محکوم شود.

در ۲۶۵۵ مین نشست شورای امنیت در ۶ فوریه ۱۹۸۶، پیش‌نویس اصلاح شده از سوی کنگو، غنا، ماداگاسکار، ترینداد و توباگو و امارات متحده عربی تسلیم شورا شد (S/17796/Rev.1. 1986:325-27)

که از سوی ایالات متحده آمریکا و تو گردید. مفاد پیش‌نویس با توجه به گزارش نماینده دائم کشور سوریه مبنی بر اقدام به دزدی هوایی و هواپیما ربایی نیروی هوایی اسرائیل علیه خط هوایی لیبی اعلام شده بود. در متن پیش‌نویس قطعنامه آمده بود اقدام به منحرف ساختن اجباری هواپیما جان و سلامت مسافران و خدمه پرواز را به مخاطره انداخته و با توجه به این‌که اقدام دولت اسرائیل بی‌توجهی جدی به مقررات و حقوق هوایی بین‌المللی و کنوانسیون‌های هوانوردی است، خطر جدی برای ثبات و امنیت منطقه در پی دارد. پیش‌نویس اقدامات اسرائیل در جهت هدایت اجباری و منحرف سازی هواپیمایی لیبیایی و بازرسی‌های بعدی را محکوم کرده و در بند ۴ پیش‌نویس از اسرائیل درخواست شده از انجام مجدد این اقدامات بپرهیزد و در صورت تکرار شورای امنیت را موظف به اتخاذ مواضع مناسب می‌کرد.

استدلال آمریکا از وتوی خود عبارت بود از این‌که اگر چه آمریکا با عمل دولت اسرائیل در این قضیه مخالف است ولی پیش‌نویس مذکور به اندازه کافی به مسئله اصلی یعنی تروریسم نمی‌پردازد. کوتاهی جامعه جهانی در مقابله با این پدیده به افزایش تهاجمات تروریستی خشونت بار علیه انسان‌های بی‌گناه در هر جای دنیا منتهی شده است. ایالات متحده آمریکا به عنوان یک اصل کلی، مخالف هدایت اجباری هواپیماهای غیر نظامی است و معتقد است سلامت پروازهای بین‌المللی باید تأمین شود. اما همواره شرایط استثنایی وجود دارد که این مداخله را توجیه می‌سازد. زمانی که موضوع امنیت پرواز مطرح است باید به ابعاد اقدام نیز توجه دقیق شود. روش اسرائیل در قبال این قضیه اتخاذ کرده حاکی از دقت

نیروهای هوایی این کشور بود تا امنیت پرواز به خطر نیفتد. در شرایطی که یک کشور ملاحظه کند فرد تروریستی که امنیت کشورش را به خطر می‌اندازد سرنشین یک هواپیما است باید اقدام احتیاطی لازم را به انجام رساند. از سوی دیگر نباید از این قضیه که دولت‌ها اجازه دهند تا تروریست‌ها سوار هواپیمای کشورشان شود ساده عبور کنیم. البته دولت امریکا از این که دولت اسرائیل تمامی استانداردهای امنیتی این اقدام را رعایت نکرده به اسرائیل معترض است اما توسل به این اقدام گامی در جهت حق ذاتی دفاع از خود است که منشور ملل متحد آن را به رسمیت شناخته است. (Ibid:327)

□ پیشینه ماجرا

یک هواپیما لیبیایی که حامل مقامات رسمی حزب بعث سوریه بودند از تریپولی لیبی در ۴ فوریه ۱۹۸۶ عازم دمشق بودند که در ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی قبرس از سوی جنگنده‌های اسرائیلی محاصره شده و مجبور به فرود در یک پایگاه هوایی نظامی اسرائیل در شمال اسرائیل شدند. به هواپیمای مذکور پس از بازرسی و باز پرس از مسافران اجازه داده شد به دمشق مسیر خود را ادامه دهد. هواپیما شامل ۱۲ سرنشین سوری و خدمه بود. مقامات سوری در حال بازگشت از یک نشست «فرماندهی عرب دوستی» بودند که تا ۲ تا ۴ فوریه در تریپولی برگزار می‌شد. مقامات سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) نیز در این نشست حضور داشتند و قرار بود این مقامات به سوریه بازگردند. ظاهراً رهبران فلسطین در هواپیمای مشابه سوار شده بودند و عازم سوریه بودند. در این هواپیما قرار بود «جرج حبش» و «جبریل» همراه مقامات سوری باشند که در لحظات آخر تصمیم گرفتند در تریپولی برای مدتی بمانند. (Patil.1992:266)

اسرائیل در توجیه عمل خود عنوان می‌کند که هدفش به دام انداختن رهبران فلسطین بوده است. البته اسرائیل مدعی بود که دولتش در اوایل ژانویه ۱۹۸۶ اصلاحیه‌ای را به کنوانسیون هوانوردی غیر نظامی شیکاگو، ۱۹۴۴ اضافه و تصویب کرده است که به دولتش اجازه می‌دهد در صورتی که احساس کند یک هواپیمای غیر نظامی به قصد به مخاطره انداختن حاکمیت کشورش مورد استفاده قرار گیرد، علیه هواپیمای مذکور وارد عمل شود و آن را به مقصد مورد نظر خود هدایت اجباری کند.

□ ممانعت از تداوم فعالیت نیروهای ناظر سازمان ملل در اوستیای جنوبی (۲۰۰۹)

به دنبال منازعات منطقه‌ای در منطقه آبخازیا میان قوای گرجستان و شورشیان این منطقه، قرارداد آتش بس میان دو طرف و فدراسیون روسیه در مسکو منعقد شد. ماموریت سازمان ملل متحد در گرجستان (United Nations Observer Mission in Georgia (UNOMIG)) بر اساس قطعنامه شماره ۸۵۷ در اگوست ۱۹۹۳ برای نظارت بر روند آتش بس تأسیس شد. ماموریت این قوای ناظر مستمرا توسط شورای امنیت تمدید می‌شد. (<http://www.un.org/en/peacekeeping/missions/past/unomig/>)

در این کش وقوس حوادث، جنگ در منطقه دیگر، در اوستیای جنوبی در اوت ۲۰۰۸ میان نیروهای گرجی و استقلال طلبان اوستیای جنوبی آغاز شد. پس از اعلام آتش بس در تاریخ ۷ اوت نیروهای ارتش گرجستان در عملیات غافلگیرانه‌ای چخینوالی مرکز جمهوری غیررسمی اوستیای جنوبی را تحت تصرف نیروهای خود قرار داد. این عملیات واکنشی نسبت به حملات منتسب به نیروهای جدایی خواه اوستیای جنوبی به روستاهای گرجستان بود. در ۸ اوت روسیه در واکنش به این حمله گرجستان، نیروهای خود را در مرز با اوستیا قرار داد و تانک‌های خود را وارد شهر چخینوالی کرد.

برای جلوگیری از شدت درگیریها و حضور نیروی بی طرف جهت ثبت واقعی رخدادها، طرح پیشنهاد تمدید ماموریت نیروهای ناظر سازمان ملل از سوی کشورهای اتریش، کرواسی، آلمان، ترکیه، انگلستان و امریکا در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ ارائه شد که با وتوی روسیه روبرو گردید. (S/2009/310. 14 June 2009)

چین، لیبی، اوگاندا و ویتنام از رای دادن امتناع کردند. استدلال نماینده روسیه عبارت از این بود که در شرایط حمله قوای گرجستان به نیروهای ملی در اوستیای جنوبی، این درخواست عملا نوعی بی توجهی به شرایط سیاسی جدید در منطقه می‌باشد. نماینده روسیه با اشاره به رویکرد دول غربی در فضیه کوزو، شورای امنیت را به برخورد تبعیض آمیز در فضیه استقلال اوستیای جنوبی متهم کرد.

(S/PV.6143)

نظر روسیه عملاً ممانعت از حضور نیروی بی طرف برای ثبت وقایع و رها شدن روند حوادث به نفع قوای خود بود.

نتیجه گیری

بحث اول: رقابت ابر قدرت‌ها طی نیم قرن فعالیت سازمان ملل برای استحکام جبهه‌بندی‌ها در این سازمان به نفع بلوک خود بوده است. موضوع عضویت اتریش و بده و بستان‌های بعدی برای عضویت کشورهای همسو کاملاً موید این نکته است که کاربرد وتو در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نبوده است مگر اینکه با یک نگاه رئالیستی به روابط بین‌الملل، متغیر وزنه یک بلوک در سازمان ملل را یکی از شاخص‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی فرض کنیم و بدین سان حفظ منافع و هژمونی ابرقدرتها شاخصه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی گردد. در حالی که مطابق مقررات منشور هر کشور صلح طلب صلاحیت عضویت در سازمان ملل را دارد. در هیچیک از استدلال‌های مطرح شده از سوی کشورهای وتو کننده موضوع عدم صلح طلب بودن متقاضی مطرح نشده است.

بحث دوم: نباید از یاد بریم که وتو زمانی استفاده می‌شد که یک پیش نویس اکثریت لازم برای رای آوردن را کسب می‌کرد به عبارت دیگر اجماع نسبی میان اکثریت اعضاء دائم و غیر دائم در اینکه تداوم یک مسئله صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد وجود داشت. تحت این شرایط یک عضو دائم با رای منفی (وتو) مانع از انجام وظیفه اصلی شورای امنیت یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد. تردیدی وجود ندارد که قضایای برلن که از سوی شوروی وتو میشد یک موضوع حساس امنیت بین‌المللی بود و یا سیاستهای آپارتاید رژیم آفریقای جنوبی علاوه بر اینکه ناقض صریح حقوق بشر بود امنیت و صلح را در منطقه جنوب آفریقا به چالش اساسی می‌کشید. قضایای افغانستان و یا اقدامات رژیم صهیونیستی اسرائیل نیز باعث به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌گشت. از سوی دیگر همانطور که در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است در پاره‌ای از سال‌ها تعداد موارد وتو برابر و یا بیشتر از موارد قطعنامه‌ها بوده است و این وضعیت گویای این نکته است که امتیاز وتو عملاً ترمزی و مانعی بوده برای فعالیت شورای امنیت.

بحث سوم: تمایز ماهوی میان اعضاء دائم در علت استفاده از امتیاز وتو وجود ندارد هر یک پنج عضو دائم در شرایطی که منافع استراتژیک و در مواردی حتی غیر استراتژیکش به مخاطره افتاده از وتو استفاده کرده است. چین ملی و چین کمونیست همانند شوروی و فدراسیون روسیه هر دو از این امتیاز در راستای منافع خود بهره برده‌اند. فرانسه، انگلستان و امریکا نیز وضعیت مشابه داشته‌اند. از طرف دیگر در شرایطی که یکی از طرفین دعوی یک عضو دائم است باز حق وتو برای دولت مذکور محفوظ است که این وضعیت کاملاً در تعارض با اصل برابری دولتها در حقوق بین‌الملل است.

نتیجه اینکه در کنار ده‌ها دلیل حقوقی و سیاسی در زمینه خدشه دار بودن امتیاز وتو، در این مقاله فقط یک بحث با تکیه بر اسناد رسمی سازمان ملل مورد توجه قرار گرفت و آن عبارت از این است که روند کاربرد وتو در شورای امنیت در نیم قرن فعالیت سازمان ملل در راستای وظیفه اصلی شورای امنیت یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نبوده است و چنین بحثی، کمکی به ارائه دلایل مصداقی به نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل است.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مطالعه بر اساس مساعدت و پشتیبانی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) صورت گرفته است و ضروری است از دست اندرکاران این معاونت تشکر شود.

کتابنامه

کتاب و مقالات (انگلیسی)

- Bozorgmehri. Majid and Alireza Mohammad Khani.(2011)“*Palestinian Issue and the Security Council of UN: Use of Veto Prevents the Establishment of International Peace*” .“*Geopolitics Quarterly*. Volume 7. No 4. Winter 2011. PP.78-99
- Bazz. Mikael. 2011. *Critical Theory as an International Relations Theory* “11September in International Relations Theory”. The Discipline of International Relations: Still an American Social Science?»
<http://asrudiancenter.wordpress.com/2008/06/25/critical-theory-as-an-international-relations-theory/>
- Hassan Khani. Mohammad(2010)“Double Standards in International Organization: A Comparative Study of the UN Response to Iraqi Invasion of Iran and Kuwait”
Geopolitics Quarterly, Volume 6. No 4, Winter 2010. Pp 218-228
- Horkheimer, Max. 198 2. “*Critical Theory, Selected Essays*”. The Continuum Publishing Company. New York.. ISBN. 0-8264-0083-3
- Global Policy Forum.
“<http://www.globalpolicy.org/security/membership/veto/vetosubj.htm>”
- Linklater, Andrew, 1999. “The Evolving Spheres of International Justice”, *International Affairs* (Royal Institute of International Affairs, 1944), Vol. 75, No. 3.Jul., 1999
- Mouffe, Chantal;1990 “Radical Democracy or Liberal Democracy?”, *Socialist Review* Vol. 20, No. 2. 1990
- .Patil.Anjali V.1992. “*The UN Veto in World Affairs 1946-1990. A complete Record and Case Histories of the Security Council’s Veto*.UNIFO.1992

ج: اسناد سازمان ملل

- S/336. 21 August 1947. 190th meeting of the SC."Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 245. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/1333. 13 September 1948. 443th Meeting of the Security Council "Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 276. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/1332.13 September 1948. 443th Meeting of the Security Council "Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 276. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/1334. 13 September 1948. 443th Meeting of the Security Council "Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 276. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/1335.13 September 1948. 443th Meeting of the Security Council "Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 276. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/1336. 13 September 1948. 443th Meeting of the Security Council "Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 276. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/1337. 13 September 1948. 443th Meeting of the Security Council "Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII 1946-1951.p. 276. http://www.un.org/en/sc/repertoire/46-51/46-51_07.pdf
- S/3502. 13 December 1955. 704th meeting of the Security Council."Practices Relative to Recommendations to the General Assembly Regarding the Admission of New Members". Chapter VII.1952-1955. P.88.http://www.un.org/en/sc/repertoire/52-55/52-55_07.pdf
- S/12110. 23 June 1976.1932th meeting of the Security Council. ," Repertoire 1975-1980".

- Chapter IV. Voting. SC. P.61.http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_04.pdf
- S/4279. 25 March 1960. Repertoire of the Practice of the Security Council. Supplement 1959-1963. Department of Political Security Council Affaires. UN. New York. 1965. P.XVI.http://www.un.org/en/sc/repertoire/59-63/59-63__c.pdf
- S/12310/Rev1. 31 October 1977. Repertoire.1975-1980.Chapter I. Provisional Rules Of Procedure of the Security Council.1975-1980.http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_01.pdf
- S/12312/ Rev.1. 1977. 31 October 1977. Repertoire.1975-1980.Chapter I. Provisional Rules Of Procedure of the Security Council.1975-1980.http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_01.pdf
- S/12311/Rev1.1977. 31 October 1977. Repertoire1975-1980.Chapter I. Provisional Rules Of Procedure of the Security Council.1975-1980. http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_01.pdf
- S/17363. 26 July 1985.2602th Meeting of the Security Council. Repertoire 1985-1988. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council.p.33.http://www.un.org/en/sc/repertoire/85-88/85-88_03.pdf
- S/17354/Rev.1. 26 July 1985. 2602th Meeting of the Security Council. Repertoire 1985-1988. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council.P.26.http://www.un.org/en/sc/repertoire/85-88/85-88_03.pdf
- S/1808 Rev.1. 23 May 1986. 2686th Meeting of the Security Council. Repertoire 1985-1988. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council.P.27.http://www.un.org/en/sc/repertoire/85-88/85-88_03.pdf
- S/18705. 20 February 1987. Repertoire 1985-1988. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council.P.33. http://www.un.org/en/sc/repertoire/85-88/85-88_03.pdf
- S/19585. 8 March 1988.2797th Meeting of Security Council. Repertoire 1985-1988. Chapter V. Subsidiary Organs of the Security Council.P.80. http://www.un.org/en/sc/repertoire/85-88/85-88_05.pdf
- S/13724. 3 January 1980. 2185th Meeting of the Security Council. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council P.31 http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_03.pdf
- S/3714/Add.1and2..3 January 1980. 2185th Meeting of the Security Council. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council P.31.

http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_03.pdf

S/13729. 7 January 1980. 2190th Meeting of the Security Council. Chapter III. Participation in the Proceeding of the Security Council P.51
http://www.un.org/en/sc/repertoire/75-80/75-80_03.pdf

S/17796/Rev.1. 6 February 1986. 2655th Meeting of the Security Council. Repertoire. 1985-1988. Part II. Chapter VIII. Maintenance of International Peace and Security.PP.325-27.

http://www.un.org/en/sc/repertoire/8588/Chapter%208/85-88_0823Letter%20dated%204%20February%201986%20from%20the%20Permanent%20Representative%20of%20the%20Syrian%20Arab%20Republic.pdf

S/2009/310. Security Council. 14 June 2009

S/PV.6143. Security Council. Sixty-fourth year. 6143rd meeting. Monday, 15 June 2009,



پژوهشگاه ملی
روابط بین الملل

۳۴

روند حق و تو در
شورای امنیت
(۱۹۴۶-۲۰۰۹)
حفظ صلح و
امنیت یا تأمین
منافع قدرت‌ها